

## وداع جوگیرانه

# با ایران قدیم!

پنجره ایرانیان: در حال حاضر شهرهای ایران با معضلاتی همچون فرسودگی درونی، ترافیک و آلودگی هوا مواجهند که تلاش برای نوسازی شهرها، نابودی معماری ایرانی اسلامی را به اپیدمی غالب تبدیل کرده است. هر روز تعداد برج‌های تقلیدی از سازه‌های اروپایی و آمریکایی در کلان‌شهرهای کشور بیشتر و بیشتر می‌شود و به نظر می‌رسد ما در یک مارا تن هویت‌گریزی قرار گرفته‌ایم.

به گزارش ایستنا، هنوز سال‌های زیادی از زمانی که حوض مرکزی در خانه‌ها وجود داشت و اتاق‌ها دور آن ساخته می‌شدند نمی‌گذرد اما دیگر کمتر اثری از این خاطرات باقی مانده است؛ تا جایی که تلاش سوداگران برای استفاده از ارزش افزوده زمین در کلان‌شهرها را باید مدیون رکود چهار ساله بخش مسکن باشیم؛ رکودی که البته ۷۸ بخش پیشین و ۵۶ بخش پسین را دچار معضل بیکاری کرده است.

این که چه اتفاقی افتاده که ما به جای نوسازی ایرانیزده بناها، اصرار داریم تا سازه‌های پر زرق و برق را جایگزین بناهای قدیمی و معاصر کنیم یا نمای آجری ساختمان‌ها را با روکش بیوشانیم به عوامل متعددی برمی‌گردد که شاید بخشی از آن به روحیه‌ی غرب‌گرایی و تغییر الگوهای زیبایی‌شناسی در زندگی شهری مربوط شود.

در گذشته سطح اشغال در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران به گونه‌ای بود که فضاها در مناطق گرم و خشک دور حیاط مرکزی شکل می‌گرفت که این شیوه در زندگی کنونی تغییرات عمده‌ای داشته است؛ زیرا شکل تشکیل خانوار در ایران با ورود مدرنیته و شهرنشینی تغییراتی شگرف، به‌روز و با سرعت فراوانی کرد. همچنین حد و نصاب تفکیک پلاک‌ها نیز تغییر کرد. بدین معنا که نسبت متوازن یک به یک به دو و یک به سه تغییر کرد.

در این وضعیت (تغییر حد و نصاب تفکیک پلاک‌ها) قطعات ۲۰۰، ۲۵۰ و ۳۰۰ متری دیگر یک به یک نخواهند بود بلکه به قطعات یک به دو و یک به سه تقسیم خواهند شد؛ یعنی قطعات ۱۰ در ۲۰، ۱۲.۵ در ۲۰، ۱۰ در ۳۰ متر؛ که وقتی روی این نسبت جرم‌گذاری نیز انجام می‌شود یعنی ۶۰ درصد در شمال و جنوب در حداکثر طبقات ۴ تا ۵، اساساً امکان مانور برای رسیدن به کیفیتی بالاتر را فراهم نمی‌کند و از آن بدتر اینکه همه شهرهایمان دارند شبیه به هم می‌شوند.

امسا رویکرد جدیدی که ما در شهرسازی دنبال می‌کنیم و عمر آن به کمتر از سه دهه می‌رسد، نه تنها دستاوردی از نظر زیبایی نداشته بلکه ظاهراً بی‌توجهی به تاب‌آوری و ایمنی بناهای جدیدالاحداث، کمکی به رفع بحران کیفیت در شهرهای کشور نکرده است؛ تا جایی که یک کارشناس ایمنی و ساختمان در این خصوص می‌گوید: حوزه بافت فرسوده یکی از دغدغه‌های شهر تهران است اما واقعیت این است که تاب‌آوری ساختمان‌های جدیدالاحداث هم اصلاً خوب نیست و به جرأت می‌توان گفت عمر ساختمان‌های جدید به ۳۰ سال هم نخواهد رسید؛ در حالی که متوسط عمر استفاده از ساختمان در جهان ۹۰ سال است.

یکی از ریشه‌های معماری ایرانی اسلامی در مصرف بهینه انرژی و انطباق کامل با طبیعت و شرایط اقلیمی و فرهنگی است اما در حال حاضر در داخل شهرها که الگوها شکل پیدا

کرده‌اند، الگوهای جرم‌گذاری را به راحتی نمی‌توان تغییر داد. با این حال در شهرک‌های و شهرهای جدید که ساخته می‌شوند و مجوز می‌گیرند این امکان فراهم است.

معاون معماری و شهرسازی وزیر راه و شهرسازی در این خصوص می‌گوید: در مکان‌هایی که به شکل ایزوله خارج از شهرها داریم ساخت و ساز می‌کنیم دستمان بازتر است و می‌توانیم شهرهایی بسازیم که منطبق با طبیعت، شرایط اقلیمی و فرهنگی با معماری زیبای ایرانی هستند. پیروز حناچی معتقد است: اصالت در معماری در ۴ محور اصلی باید مورد توجه قرار بگیرد. بدین معنا که ضمن رعایت اصول و احترام به تفکر معماری قدیم، معماری امروز خلق کنیم و معماری امروزی نباید در تعارض با گذشته باشد. نخستین محور اصالت در معماری، ساختار فضایی است و اینکه باید آنچه را که در قدیم داشتیم به درستی بشناسیم. وی در بیان ۳ اصل دیگر به ظرافت‌های معمارانه، توده‌گذاری و جرم‌گذاری بر روی زمین و استفاده از مصالح اشاره می‌کند و در تشریح هر یک از آنها می‌گوید: ظرافت‌های معمارانه یعنی جزئیاتی که معماران در هنگام آرایه به آن توجه می‌کردند. این جزئیات در سردرهای قدیمی تهران و شکل‌گیری بیشتر شهرهای کشور با شیوه استفاده از آجر یا خشت از ویژگی‌هایی است که می‌تواند معنا و ترجمان امروزی پیدا کند و در عین حال در تداوم با دیروز باشد. همچنین مجموعه خانه‌های مسکونی پتروشیمی ماهشهر، شوشتر نو، مسجدالغدیر تهران همه نمونه‌های قابل توجهی هستند که ظرافت‌های معمارانه در مورد آنها رعایت شده است. معاون وزیر راه و شهرسازی تأکید می‌کند: ادامه این روش (ظرافت‌های معمارانه و توجه به فضا) لزوماً به معنای تکرار همه اتفاقات گذشته نیست، بلکه به معنای توجه به اصولی است که در عین احترام به گذشته، آینده روشن را ترسیم می‌کند.

به گفته حناچی، توجه در جرم‌گذاری و خط آسمان سومین اصل است. معمولاً در شهرهای قدیمی و مکان‌هایی که پایه‌های تاریخی دارند این ویژگی قابل مشاهده است. و در نهایت چارمین اصل، استفاده از مصالح متناسب با اقلیم است؛ مصالحی که نامتجانس با محیط پیرامون خود نباشند و وجهی خنثی داشته باشند. بدین معنا در مکان‌هایی که همه دارند با خشت و آجر کار می‌کنند استفاده از گرانیت مشکی نوعی نامتجانس بودن با فضا و به بیان دیگر دهن کجی به گذشته محسوب می‌شود.

وی استفاده از شیشه و پروفیل با سازه‌های غشایی را از جمله مصالح قابل قبول عنوان می‌کند و در بیان ویژگی آن، برگشت‌پذیری را برمی‌شمرد و می‌افزاید: اینها جزئیاتی هستند که دانشکده‌های معماری ما کمتر به آنها گرایش دارند و به تازگی توجه به این موضوعات در دانشکده‌های معماری و مرمت مرسوم شده است.

حناچی تأکید می‌کند: کار بسیار پیچیده‌ای است؛ اینکه ما چطور می‌توانیم ضمن احترام به گذشته و عدم تکرار آن حرف جدیدی در معماری بزنیم که آن حرف برآیند احترام به گذشته و متعلق به زندگی امروزی باشد. من معنای معماری اسلامی ایرانی را اینگونه تعریف می‌کنم. لزوماً اینکه ما هر بنایی را با قوس ۷،۵، گنبد و مناره تعریف و تکرار کنیم معماری اسلامی نخواهد شد. آن زمان که مفهومی به نام معماری متأثر از فرهنگ اسلامی به وجود آمده هم به همین موضوع توجه کرده است. وی نمونه‌هایی همچون کاخ اردشیر و ایوان مدائن دو اثر دوره ساسانی، کاخ فیروزآباد با گنبد و ایوان آن را نمونه‌های بارز معماری پیش از اسلام برمی‌شمرد و در بیان مقایسه معماری گنبد و ایوان پیش و پس از اسلام می‌گوید: وقتی ایوان مدائن اثر دوره ساسانی یا کاخ فیروزآباد را که قدیمی‌ترین گنبد ایرانی و اثری متعلق به دوران ساسانی و پیش از اسلام است با نخستین گنبد‌های پس از اسلام در قرن چهارم و در شهرهای مختلف اصفهان مقایسه می‌کنیم که مساجد را شکل می‌دهند، می‌بینیم که هندسه آن تغییر جدی نکرده است. اصول همان اصول است اما در تداوم، تکامل پیدا کرده است.

